Share
Twittern

داکترسیدخلیل الله هاشمیان 2012/11/16

انتقاد مفید و معقول را هرکس استقبال میکند

مقالهٔ انتقادی جناب آقای عارف عباسی را بر نوشتهٔ شاغلی محترم عتیق پاخون منتشرهٔ 7 اکتوبر 2102 پورتال افغان جرمن انلاین، و هم مقاله محترم عتیق پاخون را سه هفته قبل خوانده بودم و می خواستم چیزی در آن باره بنویسم، اما موضوع بس مهمتر ملی (خط تحمیلی دیورند) و موقف ضد ملی و ضد افغانی داکتر فرید یونس تطُبق کرد که مرا مصروف ساخت، ولی یادداشت کرده بودم که چیزی در باب نقد ادبی بنویسم.

در صنف چهارم پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل مضمونی بنام (نقد ادبی) تدریس می شد که سه استاد ورزیده، هرکدام مرحومین پوهاند میرامان الدین انصاری، پوهاند عبدالحی حبیبی و پوهاند غلام حسن مجددی، این کورس را به نوبت تدریس می کردند و ما را به اصول و معیارهای شرقی و غربی نقد ادبی آشنا می ساختند، خداوند متعال هر سه استاد را به جنت معلی جا دهد، روح شان شاد باد که از برکت آنها چیزکی در زمینه آموخته بودیم.

هر سه استاد محصلین را نصیحت و تشویق می فرمودند که در موضوعات علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از خود گذر باشیم و نترسیم و به حیث یک طالب العلم همیشه از حق و حقیقت دفاع کنیم، که اگر نکنیم، در برابر پول بیوه زن و دهقانی که برای تحصیل ما پرداخته اند، گردن بسته و مدیون می مانیم.

پیش ازینکه به موضوع نقد علمی و آفاقی بپردازم، درهفتهٔ اخیر انتقادات تلفونی و مکتوبی متوجه من شده و پرسیده اند که شما که قبلا با پورتال افغان جرمن انلاین قطع مراوده کرده بودید، چه شد و چرا دوباره مقالات شما در آنجا به کثرت نشر شده است؟
عرض می کنم که بین من و آقای ولی احمد نوری، دو همصنف و دو رفیق قدیم، دفعتاً رنجش ها و مخالفت هایی ایجاد شد، و هر قدر بد و ردی که میسر بود یکدیگر را گفتیم که همه نشر شده وهمه خوانده اند، و تا امروز بین من و آقای ولی احمد نوری صحبتی یا تماس مستقیم صورت نگرفته است. اما دفعتاً یک موضوع حیاتی و ملی، خط تحمیلی دیورند، دارای ابعاد گسترده پیرامون منافع ملی ملت و کشور افغانستان، از جانب دشمنان اتحاد ملی و تمامیت ارضی افغانستان، تطق کرد و آقای ولی احمد نوری دو مقالهٔ مرا در بارهٔ خط تحمیلی دیورند از طریق تماس با افغان ها بدست آورده نشر کرد، که نمودار علاقمندی وی به منافع ملی کشور مشترک ما می باشد. وقتی در بارهٔ مقالات من عکس العمل هایی در پورتال افغان جرمن نشر شد، مجبور شدم جواب، توضیحات یا معلومات خود را در آنباره مستقیماً به آقای ولی نوری ایمیل کنم، و او با پیشانی باز آنها را پذیرف و از نشر آنها توسط ایمیل بمن اطمینان داد، که باوجود خفقان شخصی، نمودار اخلاق و فضیلت او و بیانگر این واقعیت می باشد که در مواردیکه منافع علیای ملت افغان ذیدخل شود، افغان ها شخصیات را نادیده گرفته، دست بدست همدیگر داده متفقاً مبارزه می کنند .
بناءً از تمام ذوات محترمی ، زن و مرد، که بنا بر دلایلی، ولو ذیحق هم باشند، تقاضا می شود درین فرصتی که یک عده فروخته شده ها در تلاش تجزیهٔ وطن محبوب و مالوف ما افتاده اند، یک جبههٔ متحد ملی را تشکیل بدهند و مبارزات قلمی خود را از طریق سایر سایت های انترنتی و رسانه ها، بشمول پورتال افغان جرمن آنلاین، ادامه بدهند.

لذتی که در عفو است در انتقام نیست !

نقد آقای عباسی بالای چند نکته از مدعیات آقای پاخون با واقعیت های عینی که اکنون جزء تاریخ معاصر افغانستان شده، مطابقت دارد. این ادعای آقای پاخون که لشکر متجاوز سرخ برای دفاع و مقابله با حملهٔ کشورهای غربی داخل افغانستان شده بود، درست همان ادعائی است که تبلیغات شوروی به هنگام اشغال افغانستان پخش می کردند و ما در کابل می شنیدیم و می خندیدیم، خصوصاً ملعون ببرک کارمل این مطلب را در روزهای اول اشغال هر روز تکرار می کرد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اما در بارۀ ادعای دیگر آقای پاخون که گویا خوجه ئین بحران الدین ربانی موجبات ناکامی پلان صلح ملل متحد را فراهم ساخت، در حالیکه توضیحات آقای عباسی را در رد این ادعا تائید می نمایم، اینقدر اضافه می کنم که دولت پاکستان نمی خواست پلان صلح ملل متحد موفق شود، زیرا پاکستان خودش پلانی ساخته بود و مستخدمین تنظیمی خود را قبلاً از آن پلان آگاه ساخته آنها را به ضد پلان ملل متحد تشویق می کرد، بنا بر آن همه مجاهدین شامل تنظیم های پشاوری در ناکام ساختن پلان صلح ملل متحد سهم مشترک داشتند. از جانب دیگر بینان سیوان، شخصی که برای تطبیق پلان صلح ملل متحد مقرر شده بود، یک آدم ضیف النفس و عیاش بود که هر وقت کابل می رفت نجیب الله برای او دختران قشنگ و بوتل های ویسکی را تعارف می کرد، و هر بار افغانستان را با تحایفی از قبیل توته های لاجورد و زمرد و قالین باب افغانی ترک می گفت. من در کنفرانس اتلانتا که پریزیدنت کارتر دایر کرده بود در حضور سردار سلطان محمود غازی به بینان سیوان گفتم که مجاهدین از مناسبات نزدیک شما با نجیب الله خبر دارند و بالای شما اعتماد ندارند. او با ترشرویی گفت : ""همه مجاهدین بالای من اعتماد دارند..""
نقد آقای عارف عباسی با موازین نقد ادبی مجهز بوده و نکات مطروحۀ شان مستند می باشد، زیرا این مسایل شامل مشاهدات عینی شخص خودم و عده ای دیگری که هنوز الحمدالله در قید حیات اند، قرار دارد . امید است برادر محترم ما آقای عتیق پاخون از نقد مستند آقای عباسی بیاموزند – چونکه ما هر یک از یکدیگر می آموزیم - و یادداشت های خود را تصحیح نمایند. کسانیکه از کوزۀ چپ آب نوشیده اند، نباید از نجیب الله و ناکامی ها و ناخلفی های او یک هیرو بسازند. نجیب الله را از هنگامیکه در پوهنتون محصل بود می شناختم، او غیر از کمونیست بودن دیگر هیچ صفتی نداشت و نه تنها بسیار مردم بیگناه را در دورۀ ریاست خاد خود کشت، بلکه از طریق خدمات استخباراتی برای شوروی بحیث رئیس جمهور مقرر گردید. وهمان لقبی که مردم برایش داده بودند کفایت می کند.

هیچ کس در هیچ ساحه ای بی نیاز از علم و دانش نیست که گفته اند : "دانش از گهواره تا گور". هر افغان که مقاله ای در یک پورتال بدست نشر می سپارد، باید ملتفت باشد که روزی کسی آنرا می خواند و باید با پیشانی باز منتظر نظر و تبصرۀ هموطنان خود باشد. پورتال افغان جرمن آنلاین که دانشمندان و نخبه گان بیشتر افغانستان با آن همکاری قلمی دارند، مانند مدرسه ای کیفیت آموزشی کسب نموده، حتی کسانی هم که با این پورتال همکاری قلمی نداشته یا ندارند، از محتویات آن استفاده کرده و می کنند.

نقد آقای عباسی بمن هم جرأت داد تا تبصره ای بالای یک قسمت مقالات دوست محترم و دانشمندم جناب آقای انجنیر احسان الله مایار که یک نویسندۀ توانا می باشند، تقدیم کنم. وانگهی دعوت انجنیر صاحب مایار با مزاج دیموکراتیکی که دارند و خود شان تقاضای حل یک معما را از هموطنان کرده اند، اینک لبیک می گویم :

من مقالات انجنیر صاحب مایار را همیشه می خوانم، چونکه شیوۀ نگارش مقبول دارند و اکثر آن نوع مسایل تاریخی را پرورش می دهند که از نظر سن و سال پس منظر مشترک داریم. ولی موضوع زیر بحث این مقال، یعنی کنفرانس قیرس، یک رویداد نسبتاً تازه به شمار می رود که انجنیر صاحب در سلسلۀ مقالاتی تحت عنوان ""موزائیک عوامل شکست نهضت های ملی "" ایجاد نموده و از تسلسل آن معلوم می شود که شاید در رساله ای تدوین شود و هر آئینه یک رسالۀ سیاسی و پرمعلومات دیگری پیرامون شکست تشبثات سیاسی یا بقول انجنیر صاحب مایار " نهضت های ملی " در آرشیف ملی اضافه می شود.

در بخش دوم این "موزائیک " جناب انجنیر صاحب احسان الله مایار می فرمایند که : "خوش بودم مرا در کنار حضرت صبغت الله مجددی و یا دیگر رهبران ! جهادی به مردمم نشان بدهم. تنها تفاوتی که در بین ما بود: من دست یکی از آنها را نبوسیده ام. این یک واقعیت تلخ است که قشر روشنفکر افغان باید آنرا حل کند و قبول نماید."
من ادعا ندارم که شامل " قشر روشنفکر افغان" می باشم، ولی بحیث یک نویسندۀ افغان عرض می کنم که دست نبوسیدن شما نه تنها "یک واقعیت تلخ" نبوده، بلکه یک واقعیت شیرین می باشد، و من آنرا قبول دارم، و به منظور حل این رویداد که تقاضا شده، عرض می کنم که مثل شما صدها نفر دیگر نیز دستان ملوث زعمای تنظیم ها را نبوسیده اند. من در سال 1987 از امریکا به پشاور رفتم و همراه با مرحوم پوهاند علمی که شناخت قبلی در پوهنتون داشتیم و او در پشاور توقف داشت، اول بدیدن سبقت الله مجددی رفتیم، فقط باهم قول دادیم – مجددی ترسیده بود که گویا من بقصد قتل او آمده ام، دو نفر ماشین دار والا عقب من ایستاده بود، تقاضای یک مصاحبه را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

کردم با بدرویی رد کرد، دیدار ما پنج دقیقه هم طول نکشید. آنگاه بدیدن سید احمد گیلانی رفتیم و طورعادی قول دادیم. گیلانی تمایل به صحبت کرد و مدت نیم ساعت صحبت کردیم، صلای جدی برای نان چاشت کرد، ماندنی شدیم. در بازگشت به امریکا این مسایل را در رساله ای به عنوان "" فتح ستراتیژی جهاد "" نوشتم که شاید مایار صاحب هم خوانده باشند. خلاصهٔ مطلب اینکه: دست بوسیدن پیش شرط دیدن روسای تنظیم ها نبود، ده ها افغان دیگر، خصوصاً آنهائی که توقع تنخواه گرفتن از تنظیم ها را نداشتند، نیز دست نبوسیده اند. امید است سؤال محترم انجنیر صاحب مایار "حل" شده باشد.

برمی گردیم به موضوع مرکزی ""موزائیگ ها"" که (کنفرانس قبرس) است و جناب مایار صاحب می خواهند این حرکت سیاسی را در جملهٔ ""نهضت های ملی"" شامل سازند، البته اختیار دارند و به حیث یک فرد ملت افغان حق مسلم شان است. طبیعت و مزاج دیموکراسی انجنیر صاحب مایار اجازه خواهد داد من هم به حیث یک فرد ملت افغان اظهار نظرکنم که کنفرانس قبرس یک تشبث سیاسی دستلوط ایران بود و به همین سبب در زمرهٔ ""نهضت های ملی"" شامل شده نمی تواند. اینک چند سطری از مشاهدات انجنیر صاحب مایار را از بخش دوم ""موزائیک"" به هنگام رسیدن شان به قبرس می خوانیم:
"" محل بود و باش ما درهوتل پالم بیچ که در ساحل قرار دارد و یکی از معتبرترین هوتل های قبرس است، تعیین شده بود. حین مواصلت حوالی بعد از ظهر درهوتل، آقای جریر با وضع خودمانی از ما پذیرایی کرد. درعین وقت شخص دیگری و دو نفر از همراهانش در حلقهٔ کوچک ما پیوستند. آقای جریر نو واردان را برایما معرفی کرد که در راس آنها آقای ابوالفضل (ظهره وند) نمایندهٔ وزارت خارجهٔ دولت اسلامی ایران (سفیر فعلی ایران در افغانستان) قرار داشت. وی با وضع محترمانه باما مختصر صحبت کرد و موفقیت اجلاس را آ رزو نمود. مختصر کلام داکتر عزیزالله لودین و من اطاق های خود را گرفتیم و بدون ضیاع وقت با هم به صحبت نشستیم. برایما واضح شد که مصارف ما از طرف جمهوری اسلامی ایران تمویل می شود، و آقای جریر بنا بر اقامت وی در تهران با وزارت خارجهٔ ایران تماس دارد. . ."".

اینکه آقای جریر کیست و با حکمتیار چه ارتباط دارد، همه می دانیم. آقای جریر دو ماه قبل از کنفرانس قبرس به منظور بدام انداختن افغان ها به کامپین در اروپا و امریکا شروع کرده بود و با هاشمیان نیز یک صحبت تلفونی داشت، ولی در آنوقت دخالت ایران درین مسئله افشاء شده بود و من دعوت اورا رد کردم. متعاقباً آقای جریر در تلویزیون پیام افغان صحبت دو ساعته داشت و یکعده افغان ها بشمول من در آن صحبت از طریق تلفون دعوت شده بودیم، هر یک و همه از جریر منبع تمویل مصارف گردهم آیی قبرس را پرسیدیم، ولی او نمی خواست منبع را افشاء کند، در حالیکه افغان ها قبلاً منبع را می دانستند. در آن صحبت طویل تلویزیونی یک نفر افغان دعوت جریر را نپذیرفت. انجنیر صاحب مایار و آقای داکتر عزیزالله لودین در حالیکه در قبرس به حضور نمایندهٔ فوق العادهٔ دولت ایران ملتفت شدند و فهمیدند که تمویل مصارف گردهم آیی افغان ها را در قبرس دولت ایران می پردازد، با شناختی که هر دو از اهداف ایران در افغانستان داشتند، به عقیدهٔ من بایست به امریکا برمی گشتند.

انجنیر صاحب مایار تذکر داده اند که نمایندگان پادشاه سابق در روم نیز نمایندگان قبرس را نپذیرفتند و کنفرانس قبرس را به رسمیت نشناختند. دلیل آن در همان وقت گفته شده بود که کنفرانس قبرس را ایران تنظیم کرده و مرکز پادشاه در روم نمی خواست که در موقف سیاسی آن پای یک کشور منطقه شامل باشد.

من بشخصیت محترم انجنیر صاحب مایار و وطندوستی شان و تپ و تلاش دامنه دار شان برای استقرار صلح در افغانستان اعتراف و احترام دارم، اما انسان خالی از اشتباه نیست و هر انسان به شمول اولیاء الله اشتباه کرده است. من منحیث یک فرد از ملت افغان شمولیت انجنیر مایار صاحب را در پهلوی جریر در کنفرانس قبرس در حضور نمایندهٔ دولت اسلامی ایران، یک اشتباه می خوانم و کنفرانس قبرس را هرگز یک ""نهضت ملی"" نمی شمارم.
با عرض حرمت
داکترسیدخلیل الله هاشمیان – 0 1 نوامبر 2012

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ